



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان با توفیق پروردگار در ولایت فقیه می باشد، ولایت فقیه در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نقش متفاوتی نسبت به غیر خودش دارد لذا در حقیقت همین نشان دادن نقش فقیه در موارد متعددی که در قرآن و روایات ذکر شده خودش یکی از أدله ی اثبات ولایت فقیه می باشد.

امام رضوان الله علیه در کتاب ولایت فقیه که در نجف بخشش را مطرح کرده اند یک بحثی درباره امور مالی دارد که نقش فقیه در امور مالی و اقتصادی از نظر اسلام چیست؟ ایشان می فرمایند احکام مالی اسلام و مالیات هائی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای که کرده و خمس و زکاة و انفال همگی در اختیار حاکم و فقیه قرار می گیرد و این برای شخص او نیست بلکه معلوم می شود که باید حکومتی تأسیس کند و این حکومت از نظر اقتصادی چند کار باید انجام بدهد؛ اول اینکه باید فقر و احتیاج را ریشکن کند و جامعه ای بوجود بیاورد که افراد مختلف از نظر اقتصاد باهم متوازن و هماهنگ باشند، دوم اینکه با همین اموال جامعه را به سوی تکامل پیش ببرد و اشتغال زائی کند و مملکت را آباد کند لذا این بودجه هائی که شارع مقدس در اختیار فقیه قرار داده غیر از اینکه فقراء و سادات را مستغنی می کند برای تشکیل حکومت بسیار مقتدر نیز در نظر گرفته شده اند، مثلاً خمس یکی از درآمدهائی است که به بیت المال می ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می دهد و طبق مذهب ما از تمام منافع کشاورزی تجارت منابع زیر زمینی و روی زمین و به طور کلی از کلیه منافع و عوائد به طرز عادلانه ای گرفته می شود به طوری که از سبزی فروش درب این مسجد تا کسی که به کشتی رانی اشتغال دارد یا معدن استخراج می کند همه را شامل می شود و این فراد باید خمس اضافه بر درآمد را پس از صرف مخارج متعارف خود به حاکم

اسلام بپردازند تا به بیت المال وارد شود و بدیهی است که درآمد به این عظمت برای اداره کشور اسلامی و رفع همه احتیاجات آن است، هرگاه خمس درآمد کشورهای اسلامی و یا کل کشورهای دنیا اگر اسلامی شوند را محاسبه کنیم معلوم می شود که چنین درآمدی فقط برای رفع احتیاج سید و روحانی نیست بلکه قضیه مهم تر از اینهاست منظور رفع نیاز مالی تشکیلات حکومتی است، اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند و همین مالیات هائی که داریم یعنی خمس و زکات و حزیه و خراجات و امثال ذلک پرداخت شوند مملکت به طور کلی اداره می شود بلکه روبه تکامل می رود، سادات کی به چنین بودجه ای احتیاج دارند؟ فقط خمس درآمد بازار بغداد برای سادات و تمام حوزه های علمیه و تمام فقراء کافیهست تا چه رسد به بازار تهران و استانبول و قاهره و دیگر بازارها، تعیین بودجه ای به این عظمت دلالت دارد بر اینکه منظور تشکیل حکومت و اداره کشور می باشد از این بودجه ای که شارع مقدس در نظر گرفته إن شاء الله می شود که باید فقیه حکومتی مقتدر تأسیس کند و کشوری را اداره کند زیرا رقم خمس و زکات و انفال بسیار بالا می باشد، این خلاصه ی کلام امام رضوان الله علیه بود که به عرضتان رسید.

ما عرض کردیم که در چند موضوع باید بحث کنیم من جمله در ریشه کن ساختن فقر که در آن باید به چند مطلب توجه داشته باشیم؛ اول روایاتی که مبین تبعات و آثار انحطاط آمیز و منفی فقر هستند که جلسه قبل تعدادی از آنها را خواندیم. شکی در این نیست که فقر تبعات منفی بسیاری دارد لذا نسبت به فقر چند وظیفه وجود دارد؛ اول وظیفه خود فقیر که اولاً باید سعی در نجات خود از فقر کند و زود به فقر تن ندهد زیرا فقر نوعی ذلت و حقارت است و هر مسلمانی وظیفه دارد که تن به ذلت ندهد و خودش را از حقارت و ذلت نجات بدهد، یک حدیثی در سفینه البحار نقل شده که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودند شخصی نزد حضرت آمد تا به او کمک کند پیغمبر وقتی به چهره او در جمع نگاه کرد گفت: ﴿مِنْ سَلْمَنَا

اعطیناه و مَن استغنا اغناه الله ﴿﴾ آن شخص تقاضای خود را مطرح نکرد و به خانه رفت خانواده اش به او گفتند چه شد و او قضیه را برایشان تعریف کرد، خانواده اش به او گفتند پیغمبر از این حرفها زیاد می زند دوباره نزد او برو، ذکر شده تا سه روز نزد حضرت آمد و هربار حضرت وقتی نگاهش به او می افتاد می فرمود: ﴿مَن سئلنا اعطیناه و مَن استغنا اغناه الله﴾، روز سوم رفت یک طناب و طبر محکمی پیدا کرد و به بیابان رفت و هیزم کند و آورد و فروخت و مقداری سود بدست آورد و همین کار را ادامه داد تا اینکه به مرور زمان وضع مالیش خوب شد و غلام و چند شتر خرید و بالاخره وضعش خیلی خوب شد و یک شتر خیلی خوب هم برای خودش خریده بود و گاهاً می رفت به افرادی که برایش کار می کردند سر می زد، یک روز سوار شتر مخصوص خودش بود که دید پیغمبر دارد می آید فوراً از شتر پیاده شد و نزدیک آمد و سلام کرد و دست پیغمبر را بوسید و گفت یا رسول الله من همانی هستم که نزد شما آمدم و سه مرتبه به من فرمودید: ﴿مَن سئلنا اعطیناه و مَن استغنا اغناه الله﴾ الآن الحمد لله وضع مالیم خیلی خوب شده است حضرت فرمودند بله خداوند متعال در وجود هر کسی استعدادی قرار داده است، خیلی زود تن به فقر دادن و استفاده نکردن از استعدادهای درونی اصلاً خوب نیست بلکه انسان باید سعی کند و خودش را از فقر نجات بدهد و ما بعداً خواهیم خواند که اگر فقری به پیغمبر مراجعه می کرد حضرت به او طبر و ریسمان و کلاً آلات و ابزاری می داد که بورد و با آنها کار کند و یکی از وظائف دولتها نیز همین است یعنی باید آلات و ابزار و امکانات را در اختیار فقراء بگذارد تا برون کار کنند.

دومین وظیفه ی فقیر طبق روایات فراوانی که داریم این است که فقیر باید صبر و تحمل داشته باشد و فقر او را وادار به ارتکاب خلاف شرع نکند، روایتی از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در ارشاد دیلمی نقل شده که حضرت می فرماید: ﴿العدل حسن و هو من الأمراء أحسن، التقوی حسن و هی من العلماء أحسن، الجود حسن و هو من الأغنیاء أحسن، الصبر حسن و هو من الفقراء أحسن، التوبة حسنة و هی من الشباب

أحسن، الحیاء حسن و هو من النساء أحسن﴾، خلاصه اینها وظائف خود فقیر بود که به عرضتان رسید. خوب و اما وظائف مردم نسبت به فقر این است که باید در معاشرت خودشان هیچوقت به فقیر با نظر خلاف احترام نگاه نکنند و روایات زیادی در این رابطه داریم که می گویند مبدا به فقیر برخلاف غنی از لحاظ معاشرت و احترام و اکرام فرق بگذارید، مثلاً در سفینه البحار ذکر شده: ﴿أما لی الصدوق عن علی بن موسی الرضا علیه السلام قال: مَنْ لَقِيَ فَقِيراً مُسْلِماً فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِیِّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان﴾<sup>۱</sup>، خبر دیگر که در اصول کافی ذکر شده این است: ﴿عن أبی عبد الله علیه السلام قال: جاء رجل مؤسر إلى رسول الله صلى الله عليه وآله نقي الثوب، فجلس إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فجاء رجل معسر درن الثوب فجلس إلى جنب المؤسر، فقبض المؤسر ثيابه من تحت فخذه، فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: أخفت أن يمسك من فقره شيء؟ قال: لا، قال: فخفت أن يصيبه من غناك شيء؟ قال: لا، قال: فخفت أن يوسخ ثيابك؟ قال: لا، قال: فما حملك على ما صنعت؟ فقال: يا رسول الله إن لي قرینا یزین لی کل قبیح ویقبح لی کل حسن وقد جعلت له نصف مالي، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله للمعسر أتقبل؟ قال: لا، فقال له الرجل: ولم؟ قال: أخاف أن یدخلنی ما دخلک﴾<sup>۲</sup>، از این اخبار زیاد داریم که دلالت دارند بر اینکه انسان فقراء را اکرام کند و با آنها رفت و آمد کند، این هم وظیفه مردم نسبت به فقراء بود که به عرضتان رسید. خوب و اما مهم تر از همه وظیفه ی حاکم و ولی فقیه نسبت به فقراء می باشد زیرا هم باید فقر را ریشه کن کند و هم باید زندگی خودش را مساوی با فقراء قرار بدهد لذا حضرت امیر علیه السلام می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضِعْفَةِ النَّيَاسِ كَرِيلاً يَتَمَيَّعُ بِالسَّاقِطِ فَقَرُهُ﴾<sup>۳</sup>.

بقیه بحث بماند فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

<sup>۱</sup> سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۷، ص ۱۳۳.

<sup>۲</sup> اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۲۶۲.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۱۹.